

فلسفهٔ فقه

(جلد دوم)

به کوشش: حسینعلی بای

مستاد علمی و پژوهشی

■ عنوان تحقیق: فلسفهٔ فقه

■ پژوهشکده: نظام‌های اسلامی

■ گروه علمی: فقه و حقوق

■ محقق: حسینعلی بای

■ موضوع اصلی: فلسفهٔ فقه



فلسفه

(جلد دوم)

به کوشش: حسینعلی بای

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: بای، حسینعلی، ۱۳۵۷.

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه فقه/ به کوشش: حسینعلی بای.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۵۹ص.

شابک: ج. ۱: ۸ - ۲۹۴ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ ج. ۲: ۵ - ۲۹۵ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیبا).

موضوع: فقه — فلسفه.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۸۸۱ ۲/ب۲ ۱۶۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۳۳۸

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

فهرست

۱۷	بیشگفتار
۲۱	مقدمه
۳۳	فقه و ملاکات احکام
۳۳	مقدمه
۳۴	گفتار اول: راه‌های کشف ملاک
۳۶	گفتار دوم: ملاک و مفاهیم وابسته
۳۶	۱. ملاک
۳۶	۲. مناط
۳۷	۳. علت
۳۸	۴. حکمت
۳۹	۵. سبب
۴۰	۶. شرط
۴۱	گفتار سوم: ملاک و مناط در متون فقه شیعه
۴۳	۱. ملاک حکم در فقه امام خمینی (ره)
۴۳	۱-۱. اجزا و نماز با تیمم
۴۴	۱-۲. اماریت بازار مسلمان
۴۵	۱-۳. انتفاع از میت
۴۶	۱-۴. حيله در ربا
۴۷	۱-۵. خرید و فروش ادوات جنگی

- ۴۸..... ۱.۶. غنا
- ۴۹..... ۱.۷. فروش انگور و خرما به خمار
- ۴۹..... ۱.۸. ملاک مشروعیت معاملات
- ۵۰..... ۱.۹. نهی از منکر
- ۵۱..... ۱.۱۰. ولایت فقیه
- ۵۲..... ۲. فقه جواهر
- ۵۲..... ۲.۱. ارت قاتل
- ۵۳..... ۲.۲. ازدواج با غیرمسلمان (مرز عشق و ورزی)
- ۵۴..... ۲.۳. ادب و حدود
- ۵۴..... ۲.۴. بیعت و قول و کیل
- ۵۵..... ۲.۵. پدر فرزند و اخی
- ۵۶..... ۲.۶. دیه و عاقلان
- ۵۷..... ۲.۷. طهارت شهید و ایضا معصومین (ع)
- ۵۸..... ۲.۸. میراث جد پدری و مادری
- ۵۸..... ۲.۹. ناپایداری ازدواج با کشف عیب
- ۵۹..... ۲.۱۰. هم‌بستری با نابالغ
- ۶۰..... منابع
- ۶۳..... گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهم و تحقق دین
- ۶۳..... چکیده
- ۶۳..... مقدمه
- ۶۶..... گفتار اول: کارکردهای عام عقل، در کشف و کاربرد دین
- ۶۷..... ۱. ادراک پیش‌انگاره‌های بایستگی دین
- ۶۷..... ۲. میناسازی برای درک نظام‌های معرفتی دین
- ۶۸..... ۳. اثبات امکان فهم دین
- ۶۸..... ۴. مساهمت در هویت‌شناسی حوزه‌های معرفتی دین
- ۶۹..... ۵. مشارکت در تنسيق منطق کشف - فهم دین
- ۶۹..... ۶. ضابطه‌گذاری و قاعده‌سازی برای کشف - فهم دین

۷. اکتشاف و اثبات حجیت مدارک و دوال دینی ۷۰
۸. قاعده‌گذاری و ضابطه‌پردازی برای احراز مدارک دینی ۷۰
۹. نسبت‌سنجی میان دوال و مدارک معتبر ۷۱
۱۰. معناگری و ابراز مدارک ۷۱
۱۱. سنجشگری و بازشناخت صواب و ناصواب در معرفت دینی ۷۱
۱۲. آسیب‌زدایی و علاج خطاهای معرفت دینی ۷۱
۱۳. چارچوبی برای انواع تقابل‌ها ۷۲
۱۴. حکم به ضرورت التزام به مفاد قضایای دینی ۷۳
- گفتار دوم: کارکردهای خاص عقل در تحقیق و تحقق هر یک از حوزه‌های دین ۷۴
۱. کارکردهای خاص عقل در حوزه عقاید (باورها - گزاره‌های لاهوتی) ۷۴
- ۱-۱. ادراک استقلال اصول عقاید ۷۴
- ۱-۲. ادراک اثبات گزاره‌های فرعی لاهوتی دین ۷۴
۲. کارکردهای خاص عقل در حوزه احکام (بایدها) ۷۵
- ۲-۱. ادراک پاره‌ای از اموری قضایای احکام عمده ۷۵
- ۲-۲. ادراک استقلالی پاره‌ای از علل حکم احکام دینی ۷۶
- ۲-۳. مساهمت در تشخیص صغریات و مصادیق احکام کلی شرعی (حکم‌شناسی) ۷۷
- ۲-۴. تشخیص موضوعات احکام (موضوع‌شناسی) ۷۷
- ۲-۵. ادراک فلسفه احکام ۷۸
- ۲-۶. درک آثار مترتب بر اجرای احکام ۷۸
- ۲-۷. حکم به تأمین و یا ترخیص و بلکه حق تقنین، در موارد مسکوت عنایت ۷۹
- ۲-۸. تعیین سازکار تحقق احکام اجتماعی دین (برنامه، سازمان، روش) ۷۹
۳. کارکردهای عقل در حوزه اخلاق (ارزش‌ها و نظام‌منشی دین) ۸۱
- ۱-۳. ادراک مبانی اخلاق و علل و حکم قضایای اخلاقی ۸۱
- ۲-۳. ادراک استقلالی امهات قضایای اخلاقی ۸۳
- ۳-۳. تشخیص صغریات و مصادیق قضایای اخلاقی ۸۳

- ۴-۳. تشخیص مفاسد و مصالح مترتب بر اجرای احکام اخلاقی
 و درک اولویت‌ها ۸۳
- ۵-۳. ترخیص یا جعل حکم اخلاقی در موارد خلأ ۸۴
- ۶-۳. تحریک به فعل و کسب فضایل و نیز تحریص به دفع و ترک رذایل ۸۴
- ۷-۳. تعیین سازگار تحقق اخلاق دینی ۸۴
۴. کارکردهای اختصاصی عقل در حوزه تربیت دینی و علم دینی ۸۴
- گفتار سوم: ساختار تفصیلی «کارکرد و کاربرد عقل در دین‌پژوهی» ۸۵
- سابع ۹۰
- استصلاح در فقه امامیه** ۹۱
- مقدمه ۹۱
- الف) شیوه‌های مصلحت ۹۱
- ب) فقه و مصلحت ۹۲
- ج) فقه امامیه و مصلحت ۹۲
- د) مسئله اصلی ۹۳
- گفتار اول: مفهوم‌شناسی ۹۵
۱. مصلحت ۹۵
- ۱-۱. «مصلحت» در لغت، عرف و نص ۹۵
- ۱-۲. اصول مصلحت شرعی و روش کشف آن ۹۶
- ۱-۳. عینیت‌ها و مصادیق مصلحت شرعی ۹۷
- ۱-۴. اقسام مصلحت شرعی ۹۷
- ۱-۵. ویژگی‌های مصلحت شرعی ۹۸
- ۱-۶. مصلحت در فقه ۱۰۰
۲. «استصلاح» ۱۰۰
۳. «فقه» در لغت، عرف و اصطلاح ۱۰۱
۴. «اجتهاد» ۱۰۳
- گفتار دوم: بیان نظریه مختار ۱۰۳
- گفتار سوم: مبانی و ادله نظریه مختار ۱۰۶

۱۰۶ ۱. مبانی
۱۰۶ ۲. نظریه
۱۱۱ نتیجه
۱۱۲ منابع
۱۱۵ درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه
۱۱۵ چکیده
۱۱۶ مقدمه
۱۱۷ گفتار اول: پیشینه مصلحت در فقه
۱۱۸ گفتار دوم: مصلحت پایه جعل و تشریح احکام شرعی
۱۲۳ گفتار سوم: مصلحت و استنباط احکام شرعی
۱۲۴ ۱. تعریف مصلحت
۱۲۴ ۲. اقوال در حجیت مصلحت
۱۲۵ ۳. بررسی ادله موافقان حجیت
۱۲۶ ۴. بررسی ادله مخالفان حجیت مصلحت
۱۲۸ گفتار چهارم: مصلحت، پایه مدیریت جامعه و صدور احکام حکومتی
۱۳۰ گفتار پنجم: ضوابط و معیارهای مصلحت در صدور احکام حکومتی
۱۳۵ منابع
۱۳۷ دیدگاه‌های کارشناسانه فقیه در موضوعات احکام
۱۳۷ چکیده
۱۳۸ مقدمه
۱۴۰ گفتار اول: بازشناسی موضوع، مصداق موضوع، حکم و متعلق حکم
۱۴۳ گفتار دوم: اقسام موضوع
۱۴۵ گفتار سوم: مروری بر اندیشه‌ها
۱۵۰ گفتار چهارم: نظریه تحقیق
۱۶۴ نتیجه
۱۶۵ منابع

- مرجعیت عرف در تطبیق مفاهیم بر مصادیق ۱۶۷
- چکیده ۱۶۷
- مقدمه ۱۶۷
- گفتار اول: موقعیت مرجعیت عرف در اندیشه‌ها ۱۶۸
۱. اندیشه موافق ۱۷۲
۲. اندیشه مخالف ۱۷۳
۳. بررسی دیدگاه‌ها ۱۷۴
- ۱-۳. نقد اندیشه موافقان مرجعیت عرف ۱۷۵
- ۲-۲. اندیشه مخالفان مرجعیت عرف ۱۷۵
- گفتار دوم: متکثر سابق مفاهیم بر مصادیق ۱۷۷
۱. فقیه و متصنی استنتاج ۱۷۷
۲. شخص مکلف ۱۷۸
۳. عرف خاص و مقبول ۱۷۸
۴. عرف خبره و کارشناس ۱۷۹
۵. عقل ودقت کامل ۱۷۹
۶. عرف عام (دقیق و مسامح) ۱۷۹
۷. نظریه مختار و اصول ناظر بر تطبیق ۱۸۰
- ۷-۱. اصل اول ۱۸۰
- ۷-۲. اصل دوم ۱۸۱
- ۷-۳. اصل سوم ۱۸۲
- ۷-۴. اصل چهارم ۱۸۵
- ۷-۵. نظریه مختار ۱۸۶
- نتیجه ۱۸۸
- منابع ۱۸۸
- کشف و اجرای شریعت در روابط اجتماعی ۱۹۱
- چکیده ۱۹۱
- مقدمه ۱۹۲

- گفتار اول: تحول روابط و شرایط ۱۹۳
۱. روش تشریح احکام و تحول روابط ۱۹۵
۲. عناوین احکام شریعت اسلام ۱۹۷
۳. آیا احکامی به نام احکام حکومتی داریم؟ ۱۹۹
۴. فرایند تشریح ۲۰۱
- ۴-۱. مرحله نفس الامر ۲۰۱
- ۴-۲. مرحله اثبات ۲۰۲
- ۴-۳. مرحله امتثال ۲۰۳
۱. تزاوج بر رابطة کلان امور اجتماعی ۲۰۳
۶. بررسی در ماه/امم خمینی ۲۰۵
۷. مصلحت و مسأله در احکام اجتماعی و ملاک آن ۲۰۷
۸. عناوین روابط حکومتی ۲۰۸
۹. بررسی دیدگاه شهید صدر (منه الفراع) ۲۱۲
- ۹-۱. ضرورت منطقه الفراع ۲۱۳
- ۹-۲. ملاحظاتی در نظریه شهید صدر (ره) ۲۱۴
- گفتار دوم: تحول موضوعات (مصادیق عنوان) ۲۱۶
۱. تحول موضوعات و تأثیر آن بر فقه ۲۱۷
۲. اقسام موضوعات و روش شناسایی آنها ۲۱۸
۳. موضوع شناسی و دستگاه فقهی موجود ۲۲۳
۴. کاستی‌های دستگاه فقه موجود ۲۲۴
۵. نکات مورد توجه در شناسایی موضوعات عرفی ۲۲۵
- منابع ۲۲۹
- رابطه اجتهاد و مسئله تعدد قرائت‌ها از دین ۲۳۱
- چکیده ۲۳۱
- مقدمه ۲۳۲
- گفتار اول: کلیات ۲۳۳
۱. تعریف اجتهاد ۲۳۳

۲. تعدد قرائت‌ها..... ۲۳۳
۳. نقد امکان نظریه تعدد قرائت‌ها..... ۲۳۵
۴. رابطه اجتهاد با مسئله تعدد قرائت‌ها از دین..... ۲۳۷
۵. اختلاف فهم‌های فقها در مقام «هست»..... ۲۳۷
۶. اختلاف فهم‌ها در مقام «باید»..... ۲۳۸
۷. محوریت عقل در اختلاف فتاوی فقها..... ۲۴۲
۸. راه کارهای عقل برای فهم‌های ضابطه‌مند..... ۲۴۳
- گفتار دوم: اقسام اجتهاد..... ۲۴۵
۱. اجتهاد در مورد نص قطعی الثبوت و قطعی الدلالة..... ۲۴۵
۲. اجتهاد در بابیه خاص و گمان‌های شخصی..... ۲۴۶
۳. اجتهاد با یک مبدأ عام و تأیید جزئی عقل به صحت آن..... ۲۵۱
۴. اجتهاد در فهم اصول به وجود کتاب خدا و یا سنت پیامبر(ص)..... ۲۵۳
۵. اجتهاد در ثبوت یا عدم استنباط سنتی به کمک خبر واحد از پیامبر(ص)..... ۲۵۵
۶. بررسی شبهه اختلاف فتاوی..... ۲۵۶
- ۱-۶. پیش فرض اصل عدم تبعض..... ۲۵۷
- ۲-۶. مقدمات استنطاق یا پیش دانسته‌های استخراجی..... ۲۵۷
- ۳-۶. پیش فرض‌های استفهامی یا پرسشی..... ۲۵۷
- ۴-۶. پیش فرض‌های تطبیقی..... ۲۵۸
۷. منشأ برداشت‌های متفاوت در استنباط احکام دینی..... ۲۶۰
- منابع..... ۲۶۴
- فقه و عقل**..... ۲۶۵
- مقدمه..... ۲۶۵
- گفتار اول: کلیات..... ۲۶۷
۱. منابع فقه و عقل..... ۲۶۸
۲. تفسیر عقل..... ۲۶۹
۳. عقلانی بودن دین و دینی بودن عقل..... ۲۷۰
- گفتار دوم: کاربرد ابزاری عقل..... ۲۷۳

۲۷۴.....	گفتار سوم: کاربرد استقلالی عقل (دامنه قاعده ملازمه حکم عقل با شرع)
۲۸۴.....	نتیجه
۲۸۵.....	منابع
۲۸۷.....	فقه و عرف
۲۸۷.....	مقدمه
۲۸۷.....	گفتار اول: اهمیت و ضرورت بحث
۲۹۲.....	گفتار دوم: شناخت عرف و تشخیص آن
۲۹۲.....	۱. عرف در لغت
۲۹۲.....	۲. عرف در اصطلاح
۲۹۵.....	۳. تفاوت عرف و غیر آن
۲۹۶.....	۴. عناصر و اقسام عرف
۲۹۷.....	گفتار سوم: انواع عرف
۲۹۷.....	۱. عوامل مؤثر بر عرف
۲۹۸.....	۲. انواع عرف
۳۰۲.....	گفتار چهارم: عرف و شرع
۳۰۷.....	گفتار پنجم: کاربرد عرف
۳۱۴.....	نتیجه
۳۱۵.....	منابع
۳۱۷.....	فقه و اخلاق
۳۱۷.....	مقدمه
۳۱۷.....	گفتار اول: فقه
۳۱۷.....	۱. مفهوم فقه و تفقه
۳۱۹.....	۲. اصطلاحات گوناگون فقه در بستر زمان
۳۲۰.....	۳. قلمرو فقه و فقاہت
۳۲۲.....	۴. موضوع علم فقه
۳۲۲.....	۵. غرض از تشریح فقه
۳۲۴.....	۶. منابع فقه

- گفتار دوم: اخلاق..... ۳۲۴
۱. مفهوم اخلاق..... ۳۲۴
۲. موضوع علم اخلاق..... ۳۲۵
۳. هدف علم اخلاق..... ۳۲۶
۴. منابع قواعد اخلاقی..... ۳۲۷
- گفتار سوم: پیوندها و تمایزات فقه و اخلاق..... ۳۲۸
۱. رویکرد منفی..... ۳۲۸
- ۱-۱. صوفیه..... ۳۲۸
- ۱-۲. امام غزالی..... ۳۲۹
۲. رویکرد مثبت..... ۳۳۳
- گفتار چهارم: نظریه ساختار..... ۳۳۶
۱. موضوع علم فقه و اخلاق..... ۳۳۶
۲. متد مباحث فقهی و اخلاقی..... ۳۳۸
۳. وجود ملاکات اخلاقی در احکام فقهی..... ۳۴۰
۴. نیت و انگیزه در فقه و اخلاق..... ۳۴۱
۵. ضمانت اجرای قواعد اخلاقی و فقهی..... ۳۴۲
۶. منابع مقررات فقهی و اخلاقی..... ۳۴۲
۷. غایت فقه و اخلاق..... ۳۴۳
- نتیجه..... ۳۴۳
- منابع..... ۳۴۴
- فقه و اخلاق..... ۳۴۷**
- مقدمه..... ۳۴۷
- گفتار اول: مفهوم‌شناسی..... ۳۴۷
۱. فقه..... ۳۴۷
۲. فلسفه فقه..... ۳۴۸
۳. اخلاق..... ۳۴۸
۴. علم اخلاق..... ۳۴۹

- ۳۵۰..... ۵. فلسفه اخلاق
- ۳۵۰..... ۷. اخلاق اسلامی
- ۳۵۰..... گفتار دوم: مقایسه گزاره‌های فقهی و اخلاقی از جهت ماهیت
- ۳۵۰..... ۱. ماهیت گزاره‌های فقهی
- ۳۵۳..... ۲. ماهیت گزاره‌های اخلاقی
- ۳۵۵..... گفتار سوم: مقایسه گزاره‌های فقهی و اخلاقی از جهت اخبار و انشا
- ۳۵۶..... اخباری یا انشایی بودن گزاره‌های اخلاقی
- ۳۵۷..... ۳. اخباری یا انشایی بودن گزاره‌های فقهی
- ۳۶۰..... ۳ منشأ الزام گزاره‌های اخلاقی
- ۳۶۲..... گفتار چهارم: شباهت‌ها و تفاوت‌های فقه و اخلاق
- ۳۶۲..... ۱. شباهت‌ها: فقه و اخلاق
- ۳۶۴..... ۲. تفاوت‌های فقه و اخلاق
- ۳۶۶..... منابع
- ۳۶۹..... **فقه و قانون‌نگاری**
- ۳۶۹..... مقدمه
- ۳۶۹..... گفتار اول: تفاوت نظام حقوق مدون و نظام حقوق غیرمدون
- ۳۷۰..... ۱. طرز تلقی از قانون
- ۳۷۲..... ۲. طرز تفسیر قانون
- ۳۷۴..... گفتار دوم: جایگاه حقوق اسلام در نظام‌های حقوقی
- ۳۷۴..... ۱. دیدگاه‌ها
- ۳۷۱..... ۲. نظریه مختار و ادله آن
- گفتار سوم: مشکلات موجود در قانون‌نگاری فقهی یا انعکاس فقه
- ۳۷۶..... (به خصوص فقه جزایی) در قوانین موضوعه
- ۳۷۶..... ۱. متون فقهی؛ فقه فردی و فقه حکومتی
- ۳۷۹..... ۲. تعدد مرجعیت و قوانین موضوعه
- ۳۸۶..... ۳. تفسیر قوانین انعکاس یافته از فقه
- ۳۸۹..... ۴. منابع لبی احکام و مشکل ناشی از تغییر زبان از دلیل لبی به لفظی

۳۹۱	نتیجه
۳۹۳	منابع
۳۹۵	فقه و حقوق بین الملل
۳۹۵	مقدمه
۳۹۷	گفتار اول: مبنای حقوق بین الملل
۴۰۰	گفتار دوم: منابع حقوق بین الملل
۴۰۳	گفتار سوم: وضع غیرمسلمانان در کشور اسلامی
۴۱۱	گفتار چهارم: فقه و صلاحیت‌ها ("Surisdiction" یا "Competence")
۴۱۶	کتاب پنجم: جنگ، فقه اسلامی و حقوق بین الملل
۴۱۹	منابع
۴۲۱	بررسی انتقادی مآییده اول فقه اسلامی و بینش هرمنوتیکی
۴۲۱	مقدمه
۴۲۳	گفتار اول: توصیف در ظرف قیاسه
۴۲۳	۱. هرمنوتیک
۴۲۵	۲. اصول فقه
۴۲۵	گفتار دوم: هرمنوتیک و اصول فقه
۴۲۲	گفتار سوم: بیان فرضیه مختار
۴۲۴	۱. وضع الفاظ
۴۲۵	۲. کاوش در قلمرو معنا
۴۲۸	نتیجه
۴۴۰	منابع
۴۴۱	فهرست آیات
۴۴۷	فهرست روایات
۴۴۹	نمایه

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شهداد اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام به عنوان دین هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه گشته، بیشتر، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان آسیب‌شناسی و ساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و رهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سازمان‌یافته پیرامون کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و جست‌وجوی والا و تلاشی شایسته و روزآمد می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهاد علمی پژوهشی و آموزشی مختص و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی و غیرانتفاعی است در قالب پنج پژوهشکده، حکمت اسلامی، دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانش‌نامه‌نگاری دینی و شانزده گروه علمی تخصصی در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و مدیریت اسلامی است، به‌طور خاص با مطالعه نظامات اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدد‌رسانی به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. تحقیق در باب مسائل مستحدثه به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپیدان قلمرو اسلامی؛

۵. سخنگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی اسلام؛

۶. شناخت و نقد عالی مکاتب و نظامات معارض.

مجموعه حاضر حاصل تلاش علمی محققان ارجمند حجج اسلام جناب

آقای علی اکبر رشاد، جناب آقای ابوالقاسم علی دوست، جناب آقای سیف‌الله

صرامی، جناب آقای احمد علی یوسفی، جناب آقای دکتر احمد میرخلیلی،

جناب آقای حسین حسن زاده، جناب آقای دکتر سید محمد واسعی، جناب

آقای سید ابراهیم حسینی، جناب آقای عبدالعزیز شریعی، جناب آقای دکتر

احمد حاجی ده‌آبادی، جناب آقای دکتر ناصر مرزبان‌نیا، جناب آقای سید

صدرالدین طاهری است که در گروه فقه و حقوق دوره سکنه نظام‌های

اسلامی به‌همت و کوشش جناب آقای حسینعلی بای نهبه شده است و به

موضوعات مختلف درباره مباحث فلسفه فقه می‌پردازد.

از جمله فلسفه‌های مضاف که امروزه جایگاه خاصی در میان مباحث

نظری، به‌دست آورده است، فلسفه فقه می‌باشد که در آن به موضوعات و

مباحث پیرامونی فقه همچون؛ تعریف فقه، تاریخ تطور فقه، ساختار فقه و

تقسیم‌بندی آنها، جایگاه فقه، ارتباط فقه با علوم دیگر خصوصاً علم اصول،

روش‌شناسی فقه، قلمرو فقه، ماهیت احکام فقهی، مراحل حکم فقهی، انواع

حکم (حکم اولی، ثانوی، ثابت و متغیر و...)، رابطه مصالح و مفاسد با احکام،

موضوع علم فقه، اهداف فقه، مقدمات علم فقه یا اجتهاد، منابع فقه، حجیت منابع فقه، منطق فهم فقه، شیوه‌های تفسیر نصوص، متولوژی تحقیق در اسناد، کاستی‌های فقه و آسیب‌شناسی آن، تعریف اجتهاد، عوامل مؤثر در اجتهاد، نقش «روح شریعت»، «مذاق شریعت» و «مقاصد شریعت» در تفسیر نصوص شرعی، عوامل پویایی و جمود، و... پرداخته می‌شود.

عده‌ای نظر به فلسفه فقه علاوه بر توانمندسازی فقه در پاسخگویی به نیازهای زمانه موجب شناسایی ظرفیت‌های جدید در منابع استنباط و روش‌شناسی فقهی، تصحیح روند و جریان فهم از کتاب و سنت و کاهش ضریب خطا در فهم نصوص دینی خواهد شد؛ زیرا زاویه نگرش فقیه به مباحث فلسفه فقه، تأثیرات بسزایی در نحوه اجتهاد و استنباط او برجای گذاشته و نگاه نافذ عمیق و نقادانه‌ای بها و عطا خواهد کرد؛ به‌واقع فلسفه فقه یا علم‌شناسی فقه حوزه‌ی دانش است که بر تحول، تطور، توسعه، تعمیق و تکامل فقه و شناخت ساختار آن مدبریت می‌کند.

مجموعه پیش‌روی خواننده تراسه در این دارنده موضوعات متنوعی از مباحث مربوط به فلسفه فقه با عناوین «فتا و ملاکات احکام»، «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهم و تحقق دین»، «استصلاح رفق امامیه»، «درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه»، «نظرات کارشناسانه فقیه در موضوعات احکام»، «مرجعیت عرف در تطبیق مفاهیم بر مصادیق»، «کشف اجزای شریعت در روابط اجتماعی»، «رابطه اجتهاد و مسئله تعدد قرائت‌ها از دین»، «عقل و فقه و عرف»، «فقه و اخلاق»، «فقه و قانون‌نگاری»، «فقه و حقوق بین‌الملل»، «بررسی انتقادی مقایسه‌اصول فقه اسلامی و بیش هرمنوتیکی» است.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش علمی محققان ارجمند، اعضای محترم شورای علمی گروه فقه و حقوق به‌ویژه ارزیابان محترم مقالات و نیز جناب آقای حسینعلی بای کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز نماییم.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

مقدمه

دیرزمانی نیست که در سده های مضاف به عنوان دانش مستقلی ظهور کرده، یا مورد توجه ویز اندیشمندان، قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان، فلسفه مضاف را به دانش مطالعه، تراز بر و تحلیلی - عقلانی احوال و احکام کلی یک علم یا رشته علمی (مانند علم جامعه شناسی یا حقوق) یا یک هستومند دستگاه وارانگاشته حقیقی یا اعتباری (مانند جامعه) تعریف کرده اند. به این ترتیب فلسفه مضاف، گاه به دانشی الحلاق می شود که به مطالعه برون گرانه مسائل کلی یک علم یا یک رشته علمی می پردازد که در این صورت، به آن، فلسفه مضاف علم گفته می شود و گاه نیز به دانشی الحلاق می شود که به مطالعه برون گرانه یک هستومند دستگاه وار (موجود یا حیثیت طام)، می پردازد که در این صورت، به آن، فلسفه مضاف به امور، گفته می شود.

به عقیده برخی هرگاه مضاف الیه، خود، یک علم باشد (مانند علم فقه)، آنگاه فلسفه آن نیز علمی درجه دومی خواهد بود و اگر مضاف الیه، خود، علم نباشد (مانند ذهن و هنر) نمی توان فلسفه مضاف آن را علمی درجه دوم دانست. به هر حال در فلسفه مضاف به موضوعات درونی آن علم (یا امور) توجه نمی شود، بلکه در آن به مباحثی نظیر، تاریخچه، قلمرو، ساختار، اهداف، منابع آن علم و نسبتش با علوم دیگر پرداخته می شود.

فلسفه فقه، از جمله فلسفه های مضاف است که در آن به تعریف فقه، تاریخ تطور فقه، ساختار فقه و تقسیم بندی آنها، جایگاه فقه، ارتباط فقه با علوم دیگر خصوصاً علم اصول، روش شناسی فقه، قلمرو فقه، ماهیت احکام فقهی،

مراحل حکم فقهی، انواع حکم (حکم اولی، ثانوی، ثابت و متغیر و...)، رابطه مصالح و مفاسد با احکام، موضوع علم فقه، اهداف فقه، مقدمات علم فقه یا اجتهاد، منابع فقه، حجیت منابع فقه، منطق فهم فقه، شیوه‌های تفسیر نصوص، متدلوژی تحقیق در اسناد، کاستی‌های فقه و آسیب‌شناسی آن، تعریف اجتهاد، عوامل مؤثر در اجتهاد و... پرداخته می‌شود.

فلسفه فقه یا علم‌شناسی فقه، دانشی است که در مقام علم ناظر، به فقه عمل نموده و به تحقیق در مبانی نظری و تحلیلی فقه، موضوع، محمول، سائل، مبادی، مقدمات، غایات و شیوه‌های روش‌شناختی فقه و ارتباط آن با علم و پدیدمانند دیگر می‌پردازد.

خاستگاه بسیار از مباحث فلسفه فقه، اندیشه‌هایی است که در درون نحله‌ها و مکاتب فکری متفاوت در حوزه‌های کلامی، فلسفی، تفسیری و حتی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به وجود آمده و به شدت بر مباحث فقهی و فلسفه فقه اثرگذار بوده است.

فلسفه فقه حوزه‌ای است برای ارائه مباحث بنیادین راجع به فقه که دارای تأثیرات فراوانی بر مباحث درون فقهی است. فلسفه فقه در واقع، دانش بر مدیریت تحول، تطور، توسعه، تعمیق و تکامل فقه و شناخت ساختار کلان آن، هماهنگی میان نهادها و قواعد و بسیاری دیگر از مسائل است.

علی‌رغم آنکه فقها، از دیرباز، بخشی از مباحث مربوط به فلسفه فقه را تحت عنوان رئوس ثمانیه، مورد توجه قرار می‌دادند، لیکن هنوز فلسفه فقه به عنوان علمی معین و دارای ساختار روشن، قضایای منسجم و مرتب نشده و نگارنده به یک موضوع بوده و هدف خاصی را دنبال کنند، طراحی نشده و نگاه ویژه و پراهمیت خود را نیافته است، هرچند در دو دهه اخیر مباحث بیشتر و جدی‌تری نسبت به جایگاه و ضرورت طراحی و تنقیح دانش فلسفه فقه، نگارش یافته و شتاب محسوسی در جهت مدون‌ساختن فلسفه فقه صورت گرفته است.

پرداختن به فلسفه فقه، بر پویایی فقه خواهد افزود و آن را نسبت به نیازهای زمانه پاسخگوتر خواهد ساخت. توجه به این دانش نوپا در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی موجب کسب آگاهی افزون‌تر نسبت به نقش فقه، توانایی‌ها و

قابلیت‌های آن، شناسایی ظرفیت‌های جدید در منابع استنباط، تسهیل در پاسخ به پرسش‌های جدید دربارهٔ فقه و روش‌شناسی فقهی، تصحیح روند و جریان فهم از کتاب و سنت و کاهش ضریب خطا در فهم از نصوص دینی، نقد یا بهره‌گیری صحیح از اظهارنظرهای تاریخی و جامعه‌شناسانه دربارهٔ فقه و... می‌شود.

زاویهٔ نگرش فقیه به مباحث فلسفهٔ فقه، تأثیرات بسزایی در نحوهٔ اجتهاد و استنباط او برجای گذاشته و نگاه نافذ، عمیق و نقادانه‌ای به او عطا خواهد کرد. برخی از سؤالات یا مسائل و موضوعاتی که در فلسفهٔ فقه مطرح می‌شوند، عبارت است از:

- پذیرش احد پذیرش منطقۃ الفرائغ (و در صورت پذیرش آن تعیین قلمرو این منطقه) در نهاد قلمرو فقه چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟
- آیا تمامی افوال و افعال معصومین، جزء قلمرو فقه یا دین بوده و «بما انه هو الشارع» از ایشان صادر شده است؟ اگر این‌گونه نباشد، معیار و ضابطه تشخیص چه خواهد بود؟
- کاربرد عقل، مصلحت، بنای حلال، قانده بدل و انصاف و... در استنباط احکام فقهی و شرعی، تا چه میزانی است؟
- آیا فقه به دنبال دست یافتن به اهداف و غایاتی است؟ اگر این‌گونه باشد آیا می‌توان به این غایات دست یافت و از آن در جهت ذمه برد؟
- آیا فقه برای تأمین سعادت اخروی آمده است یا سعادت دنیوی و اخروی؟ چنانچه فقه برای تأمین سعادت هر دو جهان باشد، آیا حصه شرعی، قادر به تأمین و تضمین این سعادت هست؟
- آیا فقه، ظرفیت نظام‌سازی را دارد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان از میان احکام فقهی به نظامی دست یازید که ابعاد مختلف زندگی انسان را پوشش دهد؟
- آیا تمامی احکام اسلام از جمله فقه احکام ثابت‌اند؟ در صورتی که علاوه بر احکام ثابت، احکام متغیری نیز وجود داشته باشد، معیار و میزان در تفکیک این دو چیست؟
- آیا دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد و استنباط احکام شرعی، اثرگذارند؟ بر فرض مثبت بودن پاسخ، محدوده این اثرگذاری تا کجاست؟

- آیا فقه، علاوه بر بیان احکام و قواعد، برنامه‌ای نیز برای اجرا مشخص کرده است؟ به بیان دیگر آیا روش اجرایی احکام داخل در قلمرو فقه است؟ آیا فقه فقط حکم‌ساز است یا طراح و معمارگر نیز می‌باشد؟
- ارتباط فقه با اخلاق، کلام، علم درایه، سیاست، جامعه‌شناسی و خصوصاً علم اصول چیست؟ اثر متقابل این علوم بر یکدیگر چگونه است؟
- تحولات فقه چیست و دارای چه خاستگاهی بوده است؟ اصولاً فقه - و فقها - چه دوره یا ادوار تاریخی را پشت سر گذاشته است؟
- آیا روش اجتهاد سنتی، پاسخگوی نیازهای فعلی و ارائه‌دهنده راه‌حلی برای مسائل مستحدثه می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا فقه امروزی، به‌راستی تنوری واقعی و کاملاً اداره‌انسان و اجتماع از گهواره تا گور است؟
- فقه دارای چه ساختاری است؟ معایب، محاسن و آسیب‌های آن کدام است؟
- شیوه فهم متن و تفسیر دینی و فقهی چیست؟ شیوه مناسب منطق فهم دین و فقه با عنایت به دور عاید قانون‌گذار و مخاطب، کدام است؟ آیا مخاطب نصوص فقهی، تنها جامعه آن روزگار بوده است؟ آیا در فهم و تفسیر نصوص دینی، شرایط جامعه و اوضاع را باید مورد ملاحظه قرار گیرد؟
- انسان مخاطب احکام دینی و فقهی دارای چه اوصاف و ویژگی‌هایی است؟
- آیا رسالت فقه، صرفاً بیان احکام است یا موضوع‌شناسی احکام نیز می‌تواند در این دایره قرار گیرد؟
- آیا می‌توان با تمسک به «روح شریعت»، «رشد شریعت» و «مقاصد شریعت» در تفسیر نصوص شرعی، توسعه یا تضییق احکام نمود؟
- پیش‌فرض‌های علم فقه چیست و تأثیرات آن در استنباط احکام فقهی تا چه حدی هست؟
- حکم حکومتی چیست؟ قلمرو آن تا کجاست و ضمانت اجرای آن چیست؟ وظیفه مقلدان سایر مراجع نسبت به آنچه می‌باشد؟ این حکم با احکام ثانویه و احکام ضروری چه ارتباطی دارد؟
- آیا فقه و به‌طورکلی شریعت، بیانگر حداقل‌های لازم برای یک زندگی اجتماعی است یا بیانگر حداکثری امور و دربردارنده ضوابط، احکام و تمامی دستورات لازم برای زندگی فردی و اجتماعی بشر، من المهد الی اللحد است؟

- موضوع فقه، آیا افعال انسان مکلف است یا افعال انسان محق؟ آیا تمام اعمال انسان اعم از ظاهری و باطنی و فردی و اجتماعی در موضوع فقه جای دارد؟
- حکم فقهی آیا مفهومی اعتباری است یا واقعی؟ اقسام احکام فقهی کدام است؟ آیا تمامی اقسام حکم اعم از وضعی و تکلیفی، ظاهری و واقعی، اولی و ثانوی، حکومتی و ضرورتی، تابع مصالح و مفاسدند؟ اگر پاسخ مثبت است، مصالح و مفاسد واقعی یا ظاهری؟
- ویژگی فقه و حقوق اسلامی چیست؟ آیا احکام فقهی، حقوقی اسلام با حقوق فطری، طبیعی و حقوق بشر سازگار است، جایگاه سهولت و سماحت در فقه و حقوق اسلامی کجاست؟ آیا آن گونه که برخی شبیه کرده اند، فقه، علمی حیلت آرزو، ظاهرین، مصرف کننده از علوم دیگر، تکلیف مدار و متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی است؟
- عوامل پویایی، رشد و بالندگی فقه کدامند و عوامل جمود، ایستایی و رکود آن کدام است؟
- وجوه مشترک و متمایز فقه امامیه از فقه اهل سنت چیست؟ وجوه رجحان هر یک بر دیگری کدام است.
- علی رغم اهمیتی که بر تدوین فلسفه فقه و منطقی ساختن چارچوب های این دانش نوپا و تأثیرات مطلوب آن بر روند اجتهاد و سکو فاش شدن فقه پویای جعفری، متصور است، برخی از صاحب نظران با اظہار اینکه فقه در سالیانتمادی بدون داشتن فلسفه فقه، خود، به بهترین وجه - حیات تکاملی و پویای خود ادامه داده است ضرورت تأسیس چنین دانشی را به جانش کشیده اند. ایشان معتقدند اگر وجود چنین دانشی ضرورت داشت، چهای که سرشار از اندیشه فقه و اصول شناسی بوده اند، به آن توجه و التفات می نمودند. این خرد گیری بر ضرورت تأسیس دانش فقه، ناصحیح می نماید؛ زیرا اولاً فقهای گرانقدر به فلسفه فقه توجه داشته و مباحث زیادی از موضوعات مربوط به فلسفه فقه را در علم اصول فقه و نیز برخی رثوس ثمانیه و... مورد توجه قرار داده اند، هر چند همه مباحث مربوط به فلسفه فقه را مضبوط نساخته و به آن نپرداخته اند. ثانیاً در صورت انتظام بخشی به مباحث فلسفه فقه، دریچه های

جدیدی در استنباطات و اجتهاد گشوده می‌شد و فقه از آنچه اکنون است، پویاتر و پیشروتر می‌گشت.

آنچه که پیش روی خواننده گرامی است، جلد دوم از مجموعه مقالاتی است که در موضوع فلسفه فقه، گردآوری شده است. مقالات مزبور، پیش از این در شماره‌های مختلف مجلات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به چاپ رسیده است و اینک با تغییراتی در ساختار شکلی مقالات و یکسان‌سازی آنها، در طرحی نو بازچاپ می‌شود. امید است این گام کوچک مقبول افتاده و مورد استفاده خوانندگان گرامی که رهپویان وادی روشنای علم و حقیقت‌اند، قرار گرفته و در مسیر تدوین این دانش جدید به قدر ران ملخی باشد به پیشگاه **سلیمان نبی** (ع).

یادآوری این نکته بهم ضروری است که نگارش برخی از مقالات این مجموعه به سارهای دو دهه پیش از ده سال قبل - بازمی‌گردد و از آنجا که در آن زمان تهیه، تنظیم و نگارش مقالات به شکل کنونی انسجام و سامان نیافته بود، بیشتر مقالات فاقد از ساخت یکسان و کامل و نیز فاقد کتابنامه‌های منظم و جامع بود و همین امر تکمیل منابع کتابنامه‌ها را ضروری می‌ساخت. با این وصف، دسترسی به بیشتر محققان محترم مقالات، متعسر و گاه متعذر بود و در مواردی نیز که دسترسی میسر بود مجال کافی و فراغت بالی برای نویسندگان محترم وجود نداشت تا اقدام به اصلاح یا تکمیل شکلی مقالاتی نمایند که سال‌های سال از زمان نگارش آن گذشته بود و در این بین تکمیل منابع مستلزم مراجعه مجدد و وقت‌گذاری دوباره بود که در اغلب موارد امری صعب و سخت به نظر می‌رسید. به‌ناچار در دوران امر بین دو محدودیت ساختن مقالات به حال خود (و چشم‌پوشی از یک‌دست‌ساختن مقالات مجموعه حاضر) و پذیرش ریسک خطا و اقدام به انجام این مهم، گزینه دوم علی‌رغم محتمل و بلکه قطعی بودن بروز خطاهایی در آن، مقبول افتاد و مطابق آن تدوین مجموعه پیش رو با اهتمام به تکمیل منابع و کتابنامه مقالات - در حد امکان - با راهنمایی‌های اینجانب و توسط برخی از همکاران به انجام رسید. با توجه به اعمال شیوه مزبور، خطاهای موجود در منابع (از حیث اطلاعات

مربوط به انتشارات، نوبت و سال چاپ) ارتباطی به نویسندگان فاضل و محترم مقالات نداشته و ناشی از قصور اینجانب خواهد بود.

«فقه و ملاکات احکام» عنوان اولین مقاله این مجموعه است که به قلم جناب آقای سید احمد میرخلیلی به نگارش درآمده است. در این مقاله به منظور فهم بهتر احکام شرعی و احیای تعالیم اسلامی و نیز بالندگی، پویایی و روزآمدی فقه در پاسخگویی به موضوعات نوپیدا، نقش ملاکات احکام، مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف پس از تبیین مفهوم ملاک و مفاهیم وابسته یا مرتبط با آن (نظیر علت، مناط، حکمت، سبب و شرط) به بیان انواع راه‌های کشف ملاک در میان اندیشمندان شیعه و اهل سنت می‌پردازد. مقاله با اشاره به برخی از مواضع و مصادیق فهم ملاک در دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و مرحوم صاحب جواهر پایان می‌پذیرد.

«گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهم و تحقق دین» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای علی‌رضا زاهد به رشته تحریر درآمده است. مؤلف با بیان نقش عقل در مقام تحقیق از «دین»، درباره «دین»، «دین‌داری» و «مقام تحقق دین»، به کارکردها و کاربردهایی که در اقسام مختلف و متنوعی قابل تقسیم است، می‌پردازد. در مقاله حاضر پس از تبیین کارکردهای عام عقل در کشف و کاربرد دین، به کارکردهای خاص عقل در حوزه عقاید، احکام، علم دینی، اخلاق و تربیت دینی پرداخته شده و در نهایت نیز شرح جدیدی با عنوان «ساختار تفصیلی کارکرد و کاربرد عقل در دین پژوهی» ارائه می‌شود تا دستمایه‌ای برای پژوهش‌های جامع و کامل بعدی باشد.

«استصلاح در فقه امامیه» عنوان مقاله‌ای است از جناب آقای بهروز سید علی‌دوست که به بررسی جایگاه مصلحت در فقه امامیه می‌پردازد. مؤلف پس از تبیین مفاهیمی همچون مصلحت، استصلاح و اجتهاد، توضیحاتی در مورد اصول، اقسام و ویژگی‌های مصلحت شرعی ارائه می‌دهند. مؤلف با بیان مقدماتی، دو نوع کاربرد استقلالی (در نظر گرفتن مصلحت به عنوان سند کشف حکم چنانچه قرآن و سنت، این گونه است) و ابزاری (کاربرد مصلحت در تفسیر سایر ادله) برای مصلحت ترسیم می‌نمایند و علاوه بر پذیرش کاربرد ابزاری

مصلحت، کاربرد استقلالی مصلحت را نیز مورد پذیرش قرار داده و در این مسیر با نقد نظریه‌های مخالف، به تبیین مبانی نظریه خویش و ادله آن می‌پردازند.

«درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای سیف الله صرامی تألیف شده است. این مقاله که در موضوع تبیین ارتباط فقه و مصلحت به نگارش درآمده است، پس از بیان پیشینه مصلحت و کاربرد آن در فقه و اصول شیعه و سنی، در چند گفتار به کاربرد مصلحت در جعل و تشریح احکام شرعی، استنباط احکام شرعی، مدیریت جامعه اسلامی و صدور احکام حکومتی پرداخته شده و در پایان نیز ضوابط و معیارهای مصلحت در سایر احکام حکومتی، بیان می‌شود.

«نظرات کارشناسانه فقیه در موضوعات احکام» مقاله بعدی این مجموعه است که به قلم جناب آقای ابوالقاسم علیدوست به نگارش درآمده است. مؤلف با بیان ایستادگی حکم‌شناسی در حیطه عملیات استنباط فقیه بوده و نتیجه این استنباط بر مقلدان است، از لایزال است. به این پرسش پاسخ می‌دهد که مرجع تشخیص موضوع، متعلق حکم، نهایتاً تطبیق حکم بر مصادیق وظیفه کیست؟ مقلد یا مجتهد؟ در صورتی که فقیه موضوع حکم را تشخیص داده و بر مصداق خارجی آن - به عنوان حکم قضایی و حکومتی یا حکم شرعی دیگر - تطبیق دهد، آیا این تطبیق نیز بر مقلدان لازم است یا آنکه مرجع تشخیص موضوعات خود مقلد یا نهاد دیگری چون کارشناس بوده و از این روی تبعیت از نظر کارشناسانه فقیه لازم نیست؟ و این با تبیین مفاهیم موضوع، مصادیق موضوع، حکم، متعلق حکم، به اقسام مصادیق اشاره و دیدگاه‌های موجود را در زمینه اعتبار نظرات کارشناسانه فقیه در رد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

«مرجعیت عرف در تطبیق مفاهیم بر مصادیق» عنوان مقاله دیگری است که در راستای مقاله پیشین به قلم جناب آقای ابوالقاسم علیدوست، تألیف شده است. مؤلف پس از بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف در مورد مرجعیت عرف (داوری عرف) در تطبیق مفاهیم و احکام شرعی بر مصادیق خارجی آن، ادله هر یک از دیدگاه‌ها را بررسی می‌نماید. در این مقاله با معرفی برخی از

نهادهای و شخصیت‌هایی که به عنوان مرجع تطبیق مفاهیم بر موضوعات، قلمداد شده‌اند از قبیل فقیه، مکلف، عرف خاص، عرف عام، عقل و... نتیجه گرفته می‌شود که نهادهای پیش‌گفته همگی طریقت دارند، از این‌رو نهادهایی که اطمینان‌بخش‌تر باشند، در تطبیقات، مقدم خواهند بود مثل عرف عام در موضوعات ساده و عرف خاص در موضوعات پیچیده.

«کشف و اجرای شریعت در روابط اجتماعی» عنوان مقاله بعدی است که به قلم جناب آقای احمدعلی یوسفی به نگارش در آمده است. در این مقاله موضوع سازگاری ثبات شریعت با تحولات روابط اجتماعی، محور بحث قرار می‌گیرد. معتقدیم مؤلف شریعت به حسب عناوین ثابت است و احکام شرعی نیز بر عناوین جعلی شده از این‌رو در هر جا و بر هر رابطه‌ای که عنوانی از عناوین شریعت منطبق شود، در پی آن، حکم عنوان مزبور نیز منطبق خواهد شد، به این ترتیب محور روابط اجتماعی هیچ منافاتی با ثبات شریعت ندارد. عناوین ثابت شرعی، اعم از عناوین احکام اولی و ثانوی است و از این‌رو احکام حکومتی در عرض احکام اولیه نبوده که حاکم اسلامی، تنها با شناسایی عناوین روابط احکام، حکم آن‌ها را که در شریعت مشخص بر آن است منطبق می‌سازد نه آنکه به جعل و تدریس پردازد.

«رابطه اجتهاد و مسئله تعدد قرائت‌ها از دین» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای حسین حسن‌زاده تألیف شده است. مؤلف با تبیین مفهوم اجتهاد و تعدد قرائت‌ها، به نقد نظریه تعدد قرائت‌ها از دین پرداخته و آن را کاملاً متفاوت از اجتهاد می‌داند. در مقاله مزبور سعی بر آن است تا با تفکیک این دو عرف فتاوی فقها در دو مقام «هست» و «باید» و نیز با تحلیل اقسام اجتهادها، ثابت شود که دست‌کم در برخی از موارد، تعدد فهم، در نزد شیعه و سنی، رد شده است، و از این‌رو کلیت مسئله تعدد قرائت‌ها از دین نادرست است. در این مقاله، همچنین راه‌کارها و معیارهایی برای تشخیص فهم صحیح از سقیم ارائه و به این ترتیب دیدگاه نسبت در روش‌شناسی فهم نیز مورد خدشه قرار می‌گیرد.

«فقه و عقل» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای ابوالقاسم علیدوست، به نگارش در آمده است. به اعتقاد مؤلف تعالیم تمامی ادیان الهی و

به‌ویژه اسلام، منطبق با موازین عقلی است زیرا در غیر این صورت بین تشریح پروردگار (دین) و تکوین او (قراردادن عقل برای تشخیص و تمییز صحیح از ناصحیح و صلاح از فساد) تضاد پیش خواهد آمد. مؤلف پس از آنکه حضور عنصر عقل و تعقل را در اسلام دو چندان ارزیابی می‌نمایند به گونه‌ای که اسلام را دین تعقل و شریعت اسلام را شریعت عقل می‌دانند، به نقش عقل در استنباط احکام شرعی پرداخته و برای آن دو کاربرد در استنباط احکام شرعی رمی‌شمارد: کاربرد استقلالی و کاربرد ابزاری. کاربرد استقلالی در کشف و استنباط حکم شرعی و کاربرد ابزاری به عنوان آلت و وسیله‌ای جهت تفسیر اداه شرعی. اگر به کار می‌آیند، مقاله مزبور، با نقد و بررسی قاعده ملازمه حکم نقل با حکم شرع، به پایان می‌رسد.

«فقه و عرف» که به قلم جناب آقای سیدمحمد واسعی به نگارش درآمده است، عنوان مقاله بعدی این مجموعه است. مؤلف با بیان اینکه میدان تحقیق در موضوع عرف و فقه بسیار گسترده و عمیق است در چهار فصل، شناخت عرف و راه‌های تشخیص آن، انواع عرف، رابطه عرف و شرع و کاربرد عرف را مورد بررسی قرار می‌دهد. به اعتقاد مؤلف؛ عرف عقلا نمی‌تواند دلیل مستقلى در مقابل دیگر ادله، مثل کتاب، و سنت باشد، بلکه حجت و دلیل بودن عرف به اعتبار کاشفیت از تقریر شارع است. همچنین هرگاه در موضوعی عرف شرعی وجود داشته باشد بر عرف عام و خاص مقدم خواهد بود و در هر حال در موارد اختلاف عقل و عرف در موضوعات حکام شرعی و حدود و ثغور آن، حکم عرف بر عقل مقدم خواهد بود.

«فقه و اخلاق» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای سید «پراهیم حسینی» تألیف شده است. موضوع مقاله، بیان نسبت میان اخلاق و فقه است. مؤلف پس از آنکه در بخش نخست به تعریف فقه، تفقه، و نیز موضوع، قلمرو و منابع فقه می‌پردازند، در بخش بعدی، به تبیین مفهوم اخلاق، موضوع، هدف و منابع قواعد اخلاقی پرداخته و در نهایت، پیوندها و تمایزات فقه و اخلاق را بیان می‌نمایند و نتیجه می‌گیرند: فقه لازمه اخلاق صحیح اسلامی است، همچنانکه اخلاق متمم و مکمل فقه است.

عنوان مقاله بعدی این مجموعه نیز «**فقه و اخلاق**» است که به قلم جناب آقای **عنايت الله شريفی**، به نگارش درآمده است. این مقاله نیز همانند مقاله پیشین رابطه فقه و اخلاق را موضوع تحقیق قرار داده است. مؤلف، پس از ارائه توضیحاتی در مورد مفهوم فقه، فلسفه فقه، علم اخلاق، فلسفه اخلاق و اخلاق اسلامی، به مقایسه گزاره‌های فقهی و اخلاقی از جهت ماهیت و اخبار پرداخته و در انتها نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه و اخلاق را بررسی می‌نماید.

«**فقه و قانون‌گذاری**» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای **احمد حاجی آبادی**، به رشته تحریر درآمده است. مؤلف با اشاره به اینکه نظام حقوقی اسلام از ریشه نظام‌های حقوق نوشته است که قانون در آن نقش بسزایی دارد، بر موضوع انکساف فقه در قوانین و برخی از مشکلات این بازتاب می‌پردازد. در این نوشته، پس از بیان تفاوت‌های نظام حقوقی مدون و نظام حقوقی غیرمدون در خصوص نوع تلقی و تفسیر قانون، جایگاه حقوق اسلام در میان نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته دیده شده و در پایان نیز مشکلات موجود در قانون‌گذاری فقهی (انکساف فقه در قانون و خصوصاً قوانین جزایی) مطرح و راهکارهایی جهت رفع این مشکلات ارائه می‌شود. به اعتقاد مؤلف لباس قانون بر فقه پوشاندن هنری است که شرط آن آشنایی توأمان قانون‌گذار با فقه و حقوق است تا بتوان مباحث فقهی را در قالب اصول و کلیات حقوقی و ظرافت‌های خاص آن، جای داد.

«**فقه و حقوق بین‌الملل**» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای **ناصر قربان‌نیا** به نگارش درآمده است. مؤلف با بیان اینکه فقه مجموعه قوانین بعدی است که بر کلیه جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان نظارت دارد فراسد مربوط به طرز رفتار دولت‌ها در زمان جنگ، صلح و بی‌طرفی را بخشی از فقه دانسته با توجه به عدم امکان بررسی تمامی ابعاد و مسائل حقوق بین‌الملل و بیان حکم فقهی آنها، به تبیین بخشی از اندیشه‌ها و مقررات فقه اسلامی که با اصول جدید حقوق بین‌الملل سازگار است، می‌پردازد. در این راستا پس از بیان مبنای حقوق بین‌الملل و منابع آن، وضع غیرمسلمانان در کشورهای اسلامی مورد اشاره قرار می‌گیرد و پس از آن به تبیین نسبت فقه با بحث مربوط به

صلاحیت‌ها (صلاحیت شخصی، سرزمینی، واقعی و جهانی) و نیز موضع فقه و حقوق بین‌الملل در مورد مسئله جنگ و جهاد، پرداخته می‌شود. به اعتقاد مؤلف با نگاهی دوباره به فقه و بازمینی درست آن، می‌توان دریافت که فقه اسلامی علی‌الاصول مخالفتی با اصول جهانی که بر پایه وحدت بشری استوار است، ندارد و می‌تواند با دیگر موازین و مقررات بین‌المللی نیز - مگر در مواردی اندک - سازگار باشد.

«بررسی انتقادی مقایسه فقه اسلامی و بینش هرمنوتیکی» عنوان آخرین مقاله این مجموعه است که به قلم جناب آقای سیدصدرالدین طاهری تألیف شده است. مقاله با بیان اینکه از یک‌سو، هرمنوتیک هنوز جنبه ابزاری داشته و به معنای عمیق آن، علم شمرده نمی‌شود، و از سوی دیگر مفهوم آن نیز، به درستی تبیین نشده است. ابتدا به بررسی مفهوم هرمنوتیک، جایگاه و هدف آن و نیز شیوه صحیح مقایسه اصول فقه با هرمنوتیک پرداخته و نتیجه می‌گیرند: علمای اصول فقه، بنیادین بوده‌اند که لازمه آن نفی دیدگاه هرمنوتیکی است. چه اینکه اصولیون با صراحت مبالغه‌آمیز مربوط به الفاظ و پاره‌ای دیگر از قراردادهای شرعی، آنها را جهت فهم مقاصد متون دینی در همه زمان‌ها و مکان‌ها و نیز شرایط گذشته، حال و آینده، کافی دانسته‌اند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از رحمت جناب آقای علیرضا پاکیزه و سیدعلی اکبر مقدس‌نژاد که در آماده‌سازی این مجموعه همکاری و مساعدت فرمودند، کمال تشکر را به عمل آورم.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

حسینعلی بای